

تابوی محرم‌آمیزی و خطر ناامنی روانی کودکان در ایران



عکس: قانون

از دیدگاه روانکاوی دو نوع والد (مادر) وجود دارد یکی والد بیولوژیک که با کودک رابطه ژنی دارد و او را به دنیا آورده، دوم والد مراقبت کننده که صرفاً وظیفه مراقبت و نگهداری از کودک دارد.

ناهید محمدپور- تصویب لایحه ازدواج سرپرست با فرزندخوانده موجی از اعتراض‌ها را در میان مسئولان و کارشناسان ایجاد کرده است. اگر چه قانون گذاران معتقدند این الزام را برای حفظ منافع کودکان و جلوگیری از زنا با محارم قلمداد کرده‌اند اما کارشناسان کودک آن را مغایر با هدف اصلی فرزندخواندگی و داشتن احساس برخورداری از خانواده واقعی می‌دانند. آن‌ها بر این باورند قانونی که قرار است از خانواده و حقوق کودک حمایت کند رسالت خود را فراموش کرده و به ناامنی و خدشه دار کردن قداست خانواده دامن می‌زند. به گفته این کارشناسان این موضوع نه تنها سبب می‌شود کودک فرزندخوانده همواره هویت خود برای همیشه به عنوان فرزندخوانده و نداشتن تعلق واقعی به خانه و خانواده بپذیرد بلکه خشونت جنسی علیه کودکان دختر و عدم تمایل زنان متأهل به فرزندخواندگی آن‌ها را در پی خواهد داشت. لیلا ارشد، عضو هیات مدیره انجمن حمایت از حقوق کودکان در این باره می‌گوید: یک انسان نمی‌تواند هم نقش همسر و هم فرزند را ایفا کند. چرا که تغییر نقش آسیب جدی به انسان به خصوص کودکان وارد می‌کند. در حالی که رسالت فرزندخواندگی این است که کودک هویت جدیدی برای خود پیدا کند و خود را متعلق به خانه و خانواده بداند.

ازدواج سرپرست با کودک امنیت خانواده را بر هم می‌زند

وی با بیان اینکه تصویب چنین قوانینی امنیت کودکان و خانواده را بر هم می‌زند می‌افزاید: به نظر من اجرای این قانون باعث می‌شود حس اعتماد و امنیت مادران و فرزندخوانده‌ها سلب شود. ضمن اینکه دیگر زنان تمایلی به پذیرش فرزندگی که در آینده ممکن است رقیب خود شوند ندارند. این فعال حقوق کودک معتقد است والدی که تصور کند می‌تواند با فرزند خوانده خود در آینده ازدواج کند، نمی‌تواند رابطه دلبستگی والد و فرزندی مناسبی را با فرزند تازه به خانه آمده برقرار کند. بنابراین ارتباط بین آن‌ها از همان کودکی دچار اختلال می‌شود. ارشد به آسیب‌های روحی که به کودکان وارد می‌شود اشاره می‌کند و یاد آور می‌شود: ترک خانه، ایجاد رفتارهای پرخاشگرانه و ترویج خشونت در خانه از دیگر تبعات است که اجرای این قانون می‌تواند برای کودکان در پی داشته باشد. این فعال حقوق کودک انتظار مردم از قوانین تصویب شده در کشور این است که کمی جلوتر از مسائل جامعه باشد نه اینکه با فرهنگ یک کشور همخوانی نداشته باشد و راه را برای آزار جنسی در قبال کودکان افزایش دهد. ارشد یاد آور می‌شود ایران از سال ۰۷ به کنوانسیون حقوق کودک پیوسته است بنابراین ما باید تلاش کنیم تا فاصله خود را با قوانین این کنوانسیون کم و بر احقاق حقوق کودک پافشاری بیشتری داشته باشیم. سرپرستی به طمع بهره برداری جنسی نه تنها با قوانین و اهداف جمهوری اسلامی مغایر است بلکه با روح اسلام و قرآن نیز در تعارض است.

فرزند خواندگی و تابوی محرم‌آمیزی از دیدگاه روانکاوی

حسام فیروزی، روان درمانگر کودک و نوجوان و عضو انجمن روان‌شناسان کودک و نوجوان در این باره می‌گوید: از دیدگاه روانکاوی دو نوع والد (مادر) وجود دارد یکی والد بیولوژیک که با کودک رابطه ژنی دارد و او را به دنیا آورده، دوم والد مراقبت کننده که صرفاً وظیفه مراقبت و نگهداری از کودک دارد. این والد دوم ممکن است با کودک رابطه ژنی داشته باشد یا نداشته باشد. وی تأکید می‌کند: در متون روانکاوی، به دلیل این که رنج، زحمت و تلاش برای پرورش کودک باعث ایجاد احساس والد و فرزندی می‌شود، نه صرفاً طی مراحل

بارداری و زایمان. در واقع مادر اصلی به کسی اطلاق می‌شود که از کودک مراقبت می‌کند. دلیل این مدعا نیز آن است که به وضوح می‌توان متوجه شد والدینی که جنین خود را در ماه‌های آخر بارداری سقط می‌کنند و فرزندشان را از دست می‌دهند، پس از مدتی کوتاه آن را فراموش می‌کنند، در حالی که والدینی که پس از به دنیا آمدن کودک و داشتن رابطه با او، فرزند خود را از دست می‌دهند، احساس ناراحتی بسیار شدیدتری می‌کنند. والدین اول هیچ‌گاه آن کودک را ندیده‌اند و با او رابطه برقرار نکرده‌اند و چون رابطه والد و فرزندی هنوز شکل نگرفته، تحمل آن آسان‌تر خواهد بود. فیروزی با بیان اینکه این موضوع حتی در حیوانات هم مصداق دارد می‌افزاید: گاهی اوقات بچه‌های حیوانات، به دلیل شرایطی با یک حیوان دیگر که آن‌ها را پرورش و غذا داده، رشد می‌کنند و با کمال تعجب می‌بینیم رابطه والد و فرزندی بین آن‌ها برقرار می‌شود. حتماً بچه گربه‌هایی که توسط سگ غذا داده شده‌اند را دیده‌اید که چه طور به دشمن خود علاقه مندند و مهربانی‌های مادرانه را در او می‌جویند، بنابراین با اطمینان خاطر باید بپذیریم که صرف بارداری و زایمان یک نوزاد دلیل بر شکل‌گیری احساس والد و فرزندی نیست و نباید لفظ پدر و مادر واقعی تنها برای والدین بیولوژیک به کار برده شود. چه بسیارند کودکانی که والدین بیولوژیک خود را غیرواقعی و پدر و مادری که آن‌ها را پرورش داده‌اند، اصلی و واقعی خطاب می‌کنند.

دل بستگی در انسان پیوند عاطفی پایداری است

« بالبی و اینزورث » دو روان‌شناسی که نظریه دل بستگی را ارائه دادند، علاوه بر توجه به فرآیندهای ناهشیار که قبلاً توسط فروید مطرح شده بود، توجه خاصی هم بر تجارب بین فردی و پیامدهای هیجانی و شناختی این روابط، به عنوان عوامل موثر بر روابط بعدی فرد داشتند. آن‌ها دل بستگی را تمایل کودک به برقراری نوعی رابطه نزدیک با افراد معین و احساس امنیت بیشتر در حضور این افراد، تعریف کردند و به این نتیجه رسیدند که نمی‌توان بدون توجه به تعامل مادر- کودک، فرآیند رشد را درک کرد. فیروزی با بیان اینکه بالبی شکل‌گیری ارتباط عاطفی را در ۴ مرحله ترسیم می‌کند یادآور می‌شود: مرحله اول پیش از دل بستگی (واکنش نامتمایز نسبت به دیگران؛ تولد تا ۳ ماهگی) نام دارد که کودکان در آغاز واکنش‌های غیر انتخابی به انسان‌ها دارند، به طور مثال تا قبل از سه هفتگی نوزادان خنده‌های بازتابی دارند، آن‌ها صدا و بوی مادر را تشخیص می‌دهند ولی کاملاً به وی دل بسته نیستند، زیرا به سر بردن با افراد ناآشنا واکنشی را به دنبال ندارد. مرحله دوم دل بستگی در حال شکل‌گیری (تمرکز بر روی افراد آشنا؛ ۳ تا ۶ ماهگی) است که کودکان در این مرحله به تدریج بلخند خود را به افراد آشنا محدود می‌کنند ولی هنوز در مقابل جدایی از مراقب یا والدین واکنش اعتراض آمیز نشان نمی‌دهند. وی با اشاره به مرحله سوم یعنی دل بستگی واضح (تقرب جویی فعال؛ ۶ ماهگی تا ۳ سالگی) می‌گوید: بالبی معتقد است که کودکان در این مرحله به یک سیستم تصحیح شونده به وسیله هدف مجهز می‌شوند و از این طریق حضور و غیاب موضوع دل بستگی (مادر نگهدارنده) را کنترل می‌کنند. در حدود ۸ ماهگی اضطراب جدایی تجلی می‌یابد. تا پیش از مرحله دل بستگی واضح، رابطه کودک و مراقب از طرف کودک، «وابستگی» و «از طرف مادر»، دل بستگی «است اما بعد از این مقطع این رابطه از هر دو طرف به صورت» دل بستگی «در می‌آید و این حالت ناشی از شکل‌گیری پیوند عاطفی است. وی درباره محورهای رابطه بین اعضای یک خانواده توضیح می‌دهد: رابطه بین اعضای خانواده می‌تواند به شکل عمودی یا افقی باشد. محور عمودی به رابطه تمامی افرادی گفته می‌شود که با همدیگر هم نسل نیستند (رابطه والدین با فرزندان) و محور افقی به رابطه تمامی افرادی گفته می‌شود که با یکدیگر هم نسلند (خواهر و برادر، پسر عمو و دختر عمو و...). در ارتباط با محور عمودی مهم‌ترین و معروف‌ترین قانونی که رابطه میان اعضای خانواده را نظم می‌دهد تابوی محرم آمیزی است. تابوی محرم آمیزی در درجه نخست یعنی؛ منع رابطه جنسی میان افراد خانواده بر حول محور عمودی. بدین معنا که تمامی افرادی که با همدیگر هم نسل نیستند (والدین با فرزندان) از داشتن رابطه جنسی با همدیگر منع می‌شوند. به گفته فیروزی از نظر مردم شناسانی مانند کلود لوی - اشتراس (Claude Lévi-Strauss) تابوی محرم آمیزی نخستین و مهم‌ترین قاعده‌ای است که با وضع آن بشر از مرتبه طبیعت گذر کرده وارد حوزه فرهنگ شده است. بنابراین تنها واقعیتی که ظاهراً شباهت گروه‌های انسانی و حیوانی را تأیید می‌کند خانواده است که انسان گروهبندی آن را از جانوران یاد گرفته است و در جریان گذار از مرحله حیوانی به انسانی، واحد خانواده در ماهیت، ساختار و بنیاد، دگرگون شده است.

وی با بیان اینکه در ارتباط با افراد هم نسل (محور افقی) تابوی محرم آمیزی فقط به رابطه خواهر و برادر مربوط می‌شود و شامل رابطه میان والدین نمی‌شود می‌افزاید: از سوی دیگر تابوی محرم آمیزی میان خواهر و برادر نه به اندازه تابوی محرم آمیزی بین والدین و فرزندان جنبه جهانی دارد و نه حدودش به آن مشخصی است. ازدواج میان خواهر و برادر در تاریخ و حتی در حال حاضر در بعضی از جوامع و در شرایط به خصوص هم‌چنان به چشم می‌خورد. از سوی دیگر دامنه هم نسلانی که رابطه جنسی میان آنان مجاز نیست از یک فرهنگ تا فرهنگی دیگر بسیار متفاوت است. در تمامی نظام‌های خویشاوندی موجود در اروپا تابوی محرم آمیزی حول محور افقی شامل بچه‌های بین دو برادر و یا دو خواهر و یا برادر و خواهر می‌چرخد، در حالی که در فرهنگ ما ایرانیان نه تنها ازدواج در چنین مواردی نهی نمی‌شود بلکه ازدواج میان مثلاً پسر عمو و دختر عمو از نظر فرهنگی حتی ترغیب هم می‌شود. به گفته این روان‌درمانگر کودک در برخی فرهنگ‌ها حتی واژه‌ای برای محرم آمیزی وجود ندارد و روبرت دلیژ (Robert Deliége)، مردم‌شناس بلژیکی، عدم وجود واژه‌ای مشخص برای بیان این مفهوم در بعضی از فرهنگ‌ها را مربوط به این می‌داند که «برای بسیاری از جوامع [محرم آمیزی] امری است شدیداً نفرت انگیز یا آنقدر غیر قابل تصور که امکان وقوعش حتی به ذهنشان هم خطور نمی‌کند. «فیروزی با بیان این مطلب می‌افزاید: فروید نیز در کتاب توتم و تابو آورده است که پسران در خانواده‌های ابتدایی برای دستیابی به «زنان پدر» بر او شوریدند و او را کشتند و پس از این فاجعه گرفتار شرمساری و عذاب وجدان ناشی از این پدرکشی شدند و زنان پدر را بر خود حرام کردند و به این ترتیب قانون منع زنا با محارم که یکی از نیرومندترین قوانین اجتماعیت پدید آمد.

مزیت‌های فرزند خواندگی

فیروزی درباره فرزندخواندگی، مزیت‌های آن و شرایط و قوانین آن از دیدگاه روان‌شناسی می‌گوید: والدین می‌توانند آن بچه‌ای را که می‌خواهند انتخاب کنند. کودکی که از نظر جنسیت، مشخصات ظاهری و حتی رنگ پوست یا سن، مطابق با خواست آن‌ها باشد، در حالی که هیچ کدام از والدین نمی‌توانند مشخصات فرزند خود را انتخاب کنند؛ مثلاً فرزندی داشته باشند که دوران نوزادی که معمولاً همراه با دردسرهای بیشتری برای والدین است را سپری کرده باشد. به گفته وی تجربه ثابت کرده است که وقتی پس از مدتی این بچه‌های انتخاب شده با والدخوانده‌های خود زندگی می‌کنند از نظر ظاهری به آن‌ها شبیه می‌شوند، به طوری که غریبه‌ها اجزای چهره آن بچه را به یکی از والدین شبیه می‌کنند و این نشان می‌دهد شرایط زیستی و محیطی در این مورد موثر است. در اینجا تنها مزیت بچه‌های بیولوژیک آن است که ترکیب ژنتیکی خود را از والدین خود گرفته‌اند و به غیر از این تمام موارد در فرزندخوانده‌ها هم دیده می‌شود.

فرزند خوانده‌ها قدردان زحمات والدخوانده‌های خود هستند

این روانپزشک می‌افزاید: دومین مزیت فرزندخوانده‌ها این است که بچه‌های خود شما معمولاً این تفکر را دارند که چون آن‌ها را به وجود آورده‌اید موظف‌اید آن‌ها را بزرگ کنید و همه امکانات لازم را در اختیارشان قرار دهید. حتی شاید بارها اتفاق افتاده باشد که کم و کاستی‌های شرایط زندگی را به رخ والدین می‌کشند اما یک فرزندخوانده لطف و مهربانی والدین غیربیولوژیک را ارج می‌نهد. به طوری که وقتی با آن‌ها صحبت می‌کنیم، می‌بینیم بسیار قدردان زحمات والد خوانده‌های خود هستند و چندان به نقص‌ها توجهی نمی‌کنند. وی معتقد است به نظر می‌رسد ارزیابی فرزندخوانده‌ها از والدین مطلوب‌تر است و در نتیجه احساس خوشبختی بیشتری دارند. به طوری که مشاهده این حس خوشایند و رضایت آن‌ها از زندگی، می‌تواند برای والدخوانده نیز رضایت‌بخش باشد. اینکه حس می‌کنند و باور دارد چه قدر دوست‌اش دارند و در راه رشد او از هیچ چیزی فروگذار نکرده‌اند، با چه چیزی قابل مقایسه است؟ اما پذیرش یک کودک و قبول مسئولیت او آداب و شرایطی دارد که لازم است حتماً قبل از تصمیم به چنین کاری از آن مطلع باشید.

منبع: <http://goo.gl/H332MV>